

سازمان ملل متحد

الف/357/64

مجمع عمومی

عمومی

اول مهرماه 1388

زبان اصلی: انگلیسی

شصت و چهارمین نشست

موضع شماره 69 (سی)

ارتقا و حفاظت حقوق بشر: وضعیت حقوق بشر و گزارش های گزارشگران ویژه و نمایندگان

وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران¹

گزارش دبیر کل

¹ گزارش حاضر به دلیل مشورت با دولت عضو با تاخیر منتشر می شود

I. مقدمه

II. چارچوب قانونی و نهادی جمهوری اسلامی ایران در ارتقاء و

حفاظت حقوق بشر

III. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

IV. حقوق مدنی و سیاسی

A. تغییرات حقوق بشر پس از انتخابات

B. شکنجه و مجازات یا رفتارهای خشن، غیر انسانی و تحقیرآمیز از جمله

شلاق و قطع اعضای بدن

B. مجازات مرگ و اعدام های عمومی

C. اعدام به روش سنگسار

D. اعدام نوجوانان

E. حقوق زنان

F. حقوق اقلیت ها

G. آزادی تجمع مسالمت آمیز و تشکل و آزادی عقیده و بیان

H. عدم رعایت حق آئین دادرسی و ناتوانی در رعایت حقوق بازداشت شدگان

V. همکاری با مراجع حقوق بشر و اداره کمیسیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

A. همکاری با نظام پیمان های حقوق بشر در سازمان ملل متحد

B. همکاری با گزارشگران ویژه

C. همکاری با اداره کمیسیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

.VI جمعبندی و توصیه ها

I - مقدمه

1. گزارش حاضر در رابطه با قطعنامه 191/63 ارائه می شود که در آن از دبیر کل خواسته شده بود که در شصت و چهارمین نشست مجمع عمومی، اطلاعات جدیدی در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ارائه کند.
2. هدف این گزارش به روز کردن گزارش قبلی دبیرکل (459/63/الف) است. گزارش حاضر تغییرات در وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران را از خرداد ماه سال 1387 به بعد، بر مبنای الزامات بین المللی کشور ایران در پیمان ها، پوشش می دهد. این گزارش مشاهدات هنیت نظارت بر پیمان ها و گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر را به تصویر می کشد² باید یادآوری کنیم که برخی از مشاهدات جمع بندی شده از جمله آنهایی که مربوط به کمیته حقوق بشر سال 1993 است و بخاطر تاخیر طولانی مدت در گزارش دهی دوره ای جمهوری اسلامی ایران قدیمی هستند، اما همچنان نگرانی های مذکور در آن مشاهدات که در این گزارش به آنها اشاره شده است، معتبرند. در حالی که این گزارش بر نگرانی های ویژه ای که در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل شماره 191/63/الف³ تعریف شده، متمرکز است، اما در عین حال دربرگیرنده تغییرات حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بدنبال انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 است.

II - چارچوب قانونی و نهادی جمهوری اسلامی ایران در ارتقاء و حفاظت حقوق بشر

3. همانگونه که در گزارش قبلی دبیر کل به مجمع عمومی اشاره شده بود، قانون اساسی سال 1358 جمهوری اسلامی ایران طیف وسیعی از آزادی های بنیادین و حقوق بشر را تضمین می کند. اما در عمل در حفاظت کامل حقوق بشر و کارایی مستقل نهادهای مختلف دولت موانع بسیار جدی وجود دارد.
4. قانون اساسی ایران دربرگیرنده فصل جامعی در مورد حقوق مردم است که در آن، حقوق مدنی و سیاسی همراه با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گنجانده شده است. قانون مجازات و آئین دادرسی جرایم نیز تضمین های مختلف روند را با هدف اطمینان از آئین دادرسی قانون و بهره مندی از حق دادرسی عادلانه فراهم می کند، هر چند در این قوانین در حوزه های خاصی نگرانی هایی وجود دارد که در بخش I.VI به آن پرداخته شده است. پیش نویس قانون مجازات جدیدی توسط کمیته ویژه در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است، اما این پیش نویس هم دربردارنده حوزه هایی است که با معیارهای بین المللی حقوق

³ این نگرانی های موضوعی در قطعنامه مورد اشاره تعریف شده اند: شکنجه و مجازات یا رفتارهای خشن، غیر انسانی و تحقیر آمیز از جمله شلاق و قطع اعضای بدن، ادامه اجرای اعدام هایی که بدون رعایت حفاظت های شناخته شده بین المللی که در برگیرنده اعدام در ملاء عام و اعدام جوانان است، سنگسار بعنوان یک روش اعدام، حقوق زنان، حقوق اقلیت ها، آزادی تجمع های مسالمت آمیز و تشکل و آزادی عقیده و بیان، و ناتوانی در رعایت حق آئین دادرسی و رعایت حقوق بازداشت شدگان.

بشر ناسازگارند. به گفته مقامات در ایران، در این پیش نویس قانون جدید مجازات که توسط کمیته قضایی و حقوقی ارائه شده است، مواد مربوط به مجازات سنگسار حذف شده، اما همین پیش نویس در برگیرنده موادی است که خواستار سایر اشکال مجازات سنگین از جمله شلاق و قطع اعضای بدن است. این پیش نویس قانون مجازات پس از تصویب در مجلس بعنوان قانون جدید برای بررسی نهایی به شورای نگهبان ارجاع می شود.

5. در حالی که قانون اساسی قائل به تقلیک قوای مجریه، مقننه و قضایی است اما برای مستقل عمل کردن آنها و توانایی شان در حفاظت حقوق بشر، موانع متعدد نهادی وجود دارد. آیت الله خامنه ای؛ رهبر فعلی انقلاب، بر سه قوه مجریه، مقننه و قضایی و سایر نهادهای کلیدی نظارت می کند (E/CN.4/2006/61/Add.3, para. 12). این نظارت توسط نظام شوراهای مشورتی که در قانون اساسی پیش بینی شده است، اجرا می شود. همانگونه که در گزارش قبلی توضیح داده شد، علاوه بر قوه قضائیه، تعدادی از نهادهای دیگر نیز برای شهروندان فرصت هایی را برای جبران خسارت های وارده فراهم می کنند. در ماده 174 قانون اساسی، بازرسی کل کشور تحت نظارت رئیس قوه قضائیه پیش بینی شده است که وظیفه آن نظارت بر هدایت مناسب امور و اجرای صحیح قوانین توسط نهادهای اجرایی دولت و به نوعی رسیدگی به شکایات افراد است. قوه مقننه، طبق ماده 90 قانون اساسی، نیز می تواند به شکایات مکتوب مردم علیه مجلس، قوه مجریه و شعب قضایی رسیدگی و تحقیق و تفحص کند. علاوه بر اینها، نهادهای شبه قضایی ای از جمله شوراهای حل اختلاف، وجود دارند که پرونده های بسیار زیادی را بررسی می کنند. همچنین، کمیسیون حقوق بشر اسلامی که در سال 1375 تشکیل شد، یک ساختار غیر دولتی است که به نظارت وضعیت حقوق بشر در کشور می پردازد. این کمیسیون نه بعنوان یک نهاد ملی موقعیت قانونی دارد و نه توسط کمیته بین المللی هماهنگی نهادهای ملی برای ارتقا و حفاظت حقوق بشر در پیروی از اصول پاریس در رابطه با مقام و کارکرد نهادهای ملی حقوق بشر، به رسمیت شناخته شده است. جمهوری اسلامی ایران همچنین دفاتر حقوق بشری در قوه قضائیه بوجود آورده تا همکاری بین المللی و هماهنگی بین ساختارهای دولتی را در امور مربوط به حقوق بشر تسهیل کنند.

III - حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

6. همانگونه که من در گزارش قبلی اشاره کرده بودم، جمهوری اسلامی ایران در حوزه های حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، علیرغم نابرابری هایی که بین مراکز شهری و مناطق کمتر توسعه یافته وجود دارد، در دهه های گذشته دستاوردهایی داشته است. دولت، پس از انقلاب 1357، سیاست های مبتنی بر

ارزش های اسلامی را دنبال کرده است که در آن بر بازتوزیع ثروت و کاهش فقر خیلی تاکید می شود. به گزارش بانک جهانی، شاخص های بهداشت و آموزش در کشور در زمره بهترین ها در منطقه است.⁴ بانک جهانی، خلاصه گزارش کشور ایران، خرداد ماه 1388.

7. در حالیکه جمهوری اسلامی ایران از شرکای میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، هنوز به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از سال 1372 هیچ گزارشی ارائه نکرده است. در همان سال، این کمیته در باره رفتار با گروه های اقلیت، تبعیض علیه زنان، و سیاست ها و قوانین آزادی فرهنگی نگرانی هایی را ابراز کرده بود (E/C.12/1993/7).

8. طبق آخرین اطلاعات موجود که مربوط به گزارش توسعه حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در سال 1385 است⁵ این گزارش مشترکا توسط برنامه عمران ملل متحد (یو ان دی پی) و سازمان مدیریت و برنامه ریزی جمهوری اسلامی ایران تهیه شده اما هنوز منتشر نشده است. ، شاخص توسعه حقوق بشر در کشور از 649/0 در سال 1370 به 759/0 در سال 1384 رسیده است. این شاخص نشان دهنده افزایش درآمد سرانه و تخصیص سهم بسیار زیادی از بودجه عمومی به فعالیت های اجتماعی است. مروری بر عملکرد جمهوری اسلامی ایران در نشست اهداف هزاره توسعه گویای آن است که درصد جمعیت با درآمد کمتر از یک دلار در روز از 9/0 درصد در سال 1378 به 2/0 درصد در سال 1384 رسیده است. درصد جمعیت با درآمد کمتر از 2 دلار در روز نیز از 3/7 درصد در سال 1378 به 1/3 درصد در سال 1384 کاهش یافته است.

9. طبق گزارش های رسیده این روند در سال های اخیر به دلیل تورم بالا⁶ به گزارش رسانه ها، تورم از 20 درصد در اوایل سال 1387 به 30 درصد در اواخر سال 1387 رسید. و افزایش قیمت مصرف، کند شده است، هر چند این فاکتورها تا حدی با حمایت های دولتی جبران شده اند. جمهوری اسلامی ایران دارای یک نظام حمایت اجتماعی است که دربرگیرنده کمک های آموزشی و شغل یابی، بیمه درمانی و بیکاری، و مقرری برای معلولین و سالخوردهگان می باشد. نیمی از جمعیت فقیر که حدود چهار و نیم میلیون نفر یا یک و نیم میلیون خانوار است، تحت پوشش کمک های دولتی، خیریه و یا سایر برنامه های غیر انتفاعی هستند³. اما با کاهش درآمدها بخاطر افت قیمت نفت و با توجه به اینکه 80 درصد درآمد دولت از

انرژی است، هزینه های دولت و برنامه های اجتماعی کاهش یافته است.⁷ بانک جهانی نیز در مورد برنامه های اجتماعی، بخصوص تامین انرژی، دارو و نیازهای اساسی افراد فقیر جای تردید دارد.³ باید به این نکته اشاره کرد که سیاست مالی و برنامه های اجتماعی، موضوعات عمومی جدی هستند که اقتصاددانان در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 به بحث گذاشتند.

10. همانگونه که قبلا اشاره شد، جمهوری اسلامی ایران دستاوردهای زیادی در بخش آموزش داشته است. سیاست های دولت با هدف افزایش نسبت ثبت نام کنندگان، فرصت های آموزشی را به مناطق فقیر در کشور گسترش داده و شکاف جنسیتی در آموزش را در همه سطوح کاهش داده است. ثبت نام خالص در آموزش عمومی بطور منظم و مستمر افزایش یافته و از 85 درصد در سال 1360 تا 98 درصد در سال 1384 رسیده است. در همین دوره زمانی، نرخ ترک تحصیل در مقاطع ابتدایی از 13 درصد به 6/6 درصد کاهش یافته است. نرخ سواد نیز در گروه های سنی 15 تا 24 سال افزایش یافته و بتدریج برابر شده است و از 2/92 درصد برای مردان و 1/81 درصد برای زنان در سال 1369 به ترتیب به 1/98 و 7/96 درصد در سال 1384 رسیده است. با دو برابر شدن تعداد دانشجویان دختر، در حال حاضر تعداد دانشجویان دختر در دوره کارشناسی از تعداد دانشجویان پسر پیشی گرفته است.³ جمهوری اسلامی ایران در رابطه با افزایش قابل توجهی در جمعیت گروه سنی آموزشی، هنوز با چالش هایی از جمله ارائه تسهیلات مناسب در مناطق روستایی و تضمین کیفیت آموزش روبروست. در برنامه توسعه پنجساله چهارم کشور، ارتقاء کیفیت آموزش در همه سطوح، اصلاح برنامه های درسی و توسعه آموزش فنی حرفه ای متناسب با بازار کار پیش بینی شده بود.

11. با توجه به افزایش چهار درصدی سالیانه نیروی آماده بکار یا 800 هزار نفر در جستجوی کار، اشتغال چالش مهم دولت است. بیکاری در میان زنان بویژه بحرانی است و از 8/26 درصد از سال 1375 به 6/40 درصد در سال 1380 رسیده است.

12. در حوزه بهداشت، گسترش تسهیلات بهداشتی بخصوص در مراقبت های ابتدایی بهداشتی، منجر به بهبود قابل توجهی در امید زندگی شده است، بطوری که امید به زندگی از سال 1370 تا سال 1383 در بین مردان از 8/64 سال به 5/70 سال و در بین زنان از 8/65 سال به 8/72 سال رسید. نرخ مرگ و میر کودکان زیر 5 سال نیز کاهش یافته و از 44 مورد در هر هزار تولد در سال 1370 به 36 نفر در هر هزار تولد در سال 1380 رسیده است. در همین دوره زمانی، مرگ و میر نوزادان در نتیجه زایمان های پیچیده نیز کاهش یافته و از 54 مورد به 37 مورد در هر هزار تولد رسیده است. نسبت زایمان توسط متخصصین بهداشت نیز افزایش یافته و به حدود 3/97 درصد رسیده است. در نتیجه اولویت دادن به

⁷ اکونومیست، "نیاز در نفت محوری"، 23 اکتبر 2008.

مراقبت های ابتدایی بهداشتی، سلامت در مناطق روستایی تقریبا به حد مناطق شهری رسیده است.³

13. اما در سایر بخش ها، نابرابری های زیادی بین مناطق وجود دارد. از نظر شاخص توسعه انسانی، بین استان های بیشتر و کمتر توسعه یافته، شکافی بیش از دو درصد بین نقاط وجود دارد. این نابرابری اساسا حاصل نابرابری درآمد در نتیجه فقدان فرصت های اشتغال است که باعث مهاجرت از مناطق روستایی به شهری می شوند. همچنین نابرابری ها از بعد جنسیتی نیز گزارش شده است (این موضوع در بخش IV.F بیشتر تحلیل می شود). داده های تفکیکی در مورد گروه های اقلیت وجود ندارد هر چند تبعیض در مورد بهائیان گزارش شده است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته متخصصین سازمان جهانی کار در مورد اجرای پیمان ها و توصیه ها، و صاحبان وظایف روندهای ویژه قبلا در این مورد اظهار نگرانی کرده اند.

IV - حقوق مدنی و سیاسی

14. از خرداد ماه 1388 به بعد تغییرات منفی در حوزه حقوق مدنی و سیاسی بوجود آمده است. فعالان محلی حقوق بشر به فعالیت های شدید خود در ترویج موضوعات حقوق بشر ادامه داده اند و در جریان انتخابات، مناظره های عمومی و گزارش رسانه ای جریان داشت. همچنین در طول یکسال، بخصوص در جریانات پس از انتخابات، خشونت ها و نقض حقوق بشر که زنان، دانشجویان، معلمان، کارگران و سایر گروه های فعال را هدف قرار داده بود، شدت گرفت. اعضای گروه های قومی و اقلیت با آزار و اذیت، خشونت و در برخی از موارد با محاکمه روبرو شدند. رسانه ها نیز با معلق کردن امتیاز نشریات مسدود کردن وب سایت ها، محدودیت های سخت تری را تجربه کردند. مقامات همچنین در مورد اس ام اس های تلفن همراه و شبکه های اجتماعی وب سایت ها، که وسیله اصلی در اعتراضات مخالفت بود، محدودیت هایی اعمال کردند.

15. اجرای مجازات مرگ که در برگیرنده نوجوانان بود، در سطح وسیعی ادامه یافت. حداقل چند مورد سنگسار و اعدام در ملاء عام، علیرغم اینکه مقامات برای کنترل اجرای این احکام اقدام کرده بودند، انجام شد. موارد شکنجه، قطع اعضای بدن و شلاق، مرگ های مشکوک و خودکشی زندانیان در حالیکه در بازداشت بودند، نیز گزارش شده است. اطلاعات موجود در مورد نگرانی های موضوعی تعریف شده در قطعنامه 191/63 مجمع عمومی در بخش های ذیل بطور خلاصه ارائه می شود.

A. تغییرات حقوق بشر پس از انتخابات

16. در 22 خرداد ماه 1388 پس از یک کمپین پرشور که با مناظره های آزاد و انتقادی همراه بود، واجدین شرایط در ایران برای انتخاب رئیس جمهور جدید به پای صندوق های رای رفتند. مناظره های عمومی قبل و بعد از انتخابات، نشانه مثبتی از شور و نشاط و پویایی حیات مدنی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران بود، اما رفتار مقامات در اعتراضاتی که بدنبال انتخابات صورت گرفت، موجب نگرانی هایی در باره رعایت آزادی بیان، تجمع و تشکل، کاربرد خشونت در انتظامات تظاهرات، و رفتار با زندانیان و اجرای آئین دادرسی شد.

17. گزارش شده است که در 25 خرداد ماه 1388، بدنبال اعلام پیروزی رئیس جمهور احمدی نژاد، دهها هزار نفر از حامیان سایر نامزدهای ریاست جمهوری، در اعتراض به نتایج انتخابات به خیابان آمدند. در پایان تظاهرات، خشونت اعمال شد و تلویزیون ملی ایران از مرگ هفت نفر خبر داد. تعدادی از گزارش ها حاکی از این است که در سایر بخش های کشور نیز تظاهرات برپا شده بود. در پیشنهادهایی به مطبوعات، دبیر کل به آنها توصیه کرد که تمایل حقیقی مردم ایران باید در شفاف ترین و عادلانه ترین و بی طرف ترین روش منعکس شود⁸ مقامات ایران به اظهارات دبیر کل اعتراض کردند <http://www.un.org/apps/sg/offthecuff.asp?nid=1299>. رهبر جمهوری اسلامی ایران؛ آیت الله علی خامنه ای، از همه گروه ها و کاندیداها خواست که نتیجه انتخابات را بپذیرند و اگر هر اعتراضی دارند از کانال های قانونی شکایاتشان را مطرح کنند. دوره ده روز اول برای ارائه شکایات، 5 بار برای بررسی اضافی تمدید شد. بدنبال آن شورای نگهبان حکم کرد که انتخابات باطل نخواهد شد، اما صندوق های رای در برخی از مناطقی که نتایج انتخابات در آنها مورد اختلاف نامزدهای ریاست جمهوری است، بازشماری می شوند.

18. در 29 خرداد ماه 1388، پنج متخصص مستقل سازمان ملل متحد⁹ پنج متخصص سازمان ملل متحد عبارت بودند از گزارشگر مسئول گروه کاری بازداشت های خودسرانه، گزارشگر ویژه اعدام های فراقانونی، شتابزده و خودسرانه، گزارشگر ویژه ارتقا و حفاظت حق آزادی عقیده و بیان، گزارشگر ویژه در مورد شکنجه و سایر مجازات و یا رفتارهای خشن، غیر انسانی و تحقیر امیر و گزارشگر ویژه وضعیت مدافعان حقوق بشر. نگرانی عمیق خود را در باره استفاده وسیع از نیروی پلیس، بازداشت های خودسرانه و کشتارها در یک بیانیه مطبوعاتی ابراز کردند. آنها خاطر نشان کردند در حالیکه اعتراضات در حد وسیعی مسالمت آمیز بود، شدت برخوردها با نیروهای امنیتی منجر به مرگ، زخمی شدن و بازداشت تعداد بسیار زیادی شد. گزارشگر ویژه ارتقاء و حفاظت از حق آزادی بیان و عقیده، از بازداشت های اخیر و استفاده وسیع از نیروی پلیس

علیه مخالفان ابراز کرد که می تواند تلاش مستقیمی برای سرکوب آزادی تجمع و بیان در کشور باشد، ابراز نگرانی کرد. الزام دولت برای بکاربردن همه اقدامات ضروری در تضمین این که حق آزادی افراد در بازداشت خودسرانه تضييع نمی شود و از دادرسی عادلانه در یک دادگاه مستقل و بی طرف بهره مند می شوند، توسط گزارشگر مسئول گروه کاری بازداشت های خودسرانه طرح شد.

19. در 29 خرداد ماه 1388، کمیسیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز بیانیه مطبوعاتی صادر کرد که در آن در باره گزارش های رسیده از افزایش تعداد بازداشت ها که می تواند مغایر با قانون باشد، و احتمال استفاده غیر قانونی وسیع از خشونت، نگرانی های خود را ابراز کرد. کمیسیونر عالی بویژه در باره خشونت اعمال شده توسط نیروی شبه نظامی بسیج اظهار نگرانی کرد و اضافه کرد که این مسئولیت دولت است که مطمئن شود که نیروهای شبه نظامی و مجریان معمولی قانون دست به حرکت های غیر قانونی خشونت آمیز نمی زنند.

20. دولت ایران به نگرانی های کمیسیونر عالی حقوق بشر پاسخ داد و تاکید کرد که بیش از 85 درصد مردم واجد شرایط، آرای خود را در یک فضای آرم و مسالمت آمیز به نفع نامزدهای انتخاباتی خود به صندوق ریختند و همه چهار نامزد انتخاباتی فرصت هایی برای توصیف سیاست ها و برنامه های خود در رادیو و تلویزیون داشتند. دولت ایران همچنین خاطر نشان کرد که شورای نگهبان به شکایات انتخاباتی رسیدگی کرد و برای بازشماری 10 درصد صندوق ها در مناطقی خاص یا بطور تصادفی، بطور مقتضی اقدام کرد و نهایتاً نتیجه انتخابات را تائید کرد.

21. علیرغم اقداماتی که نیروهای امنیتی برای جلوگیری از اعتراضات یا در هم شکستن آنها بکار بردند، دهها هزار نفر از مردم ایران چند روز در راهپیمایی های متعددی که در تهران ادامه داشت، شرکت کردند. در روز 30 خرداد ماه، ندا آقا سلطان، دختر جوانی که به همراه معلم خود در جمع راهپیمایان در تهران بود، در اثر تیراندازی به سینه اش کشته شد. این حادثه در سطح بین المللی با توزیع گسترده اینترنتی آن، توجه وسیعی به خود جلب کرد. در مورد شرایطی که منجر به کشته شدن ندا شد، مقامات مقاومت کردند و گفتند که این مورد تحت بررسی است. در مورد تعداد کشته شدگان و مجروحین در جریان راهپیمایی ها آمار دقیقی وجود ندارد، اما تعدادی از گزارش های رسانه ای حداقل 20 کشته و تعداد بیشتری مجروح اعلام کرده اند.

22. در حالیکه اعتراضات شدت می گرفت، نمایندگان رسانه های خارجی گزارش دادند که وب سایت های آنها مسدود شده و مقامات محدودیت های جدیدی اعمال کردند که برطبق آن صراحتاً به روزنامه نگاران گفته شده بود که قبل از خروج از دفاتر خود برای پوشش خبری، باید مجوز بگیرند. روزنامه نگاران

همچنین از حضور در هر گونه تظاهرات تائید نشده، منع شدند. مقامات همچنین بدنبال بستن شبکه های اجتماعی و سایر وب سایت هایی بودند که از آن طریق اطلاعات و تصاویر اعتراضات در سطح بین المللی پخش می شد.

23. در روز اول تیرماه، دبیر کل سازمان ملل متحد بیانیه ای صادر کرد که در آن در مورد خشونت پس از انتخابات بخصوص استفاده از خشونت علیه مردم عادی که منجر به مرگ و زخمی شدن شهروندان شده بود، ابراز نگرانی کرد. دبیر کل از مقامات خواستار رعایت حقوق بنیادین مدنی و سیاسی، بویژه آزادی بیان، تجمع و اطلاعات شد. دبیر کل خواستار توقف فوری بازداشت ها، تهدیدها و استفاده از خشونت شد و امیدواری خود را از اینکه خواسته دموکراتیک مردم جمهوری اسلامی ایران رعایت خواهد شد، تکرار کرد. دبیر کل به دولت و مخالفان توصیه کرد که اختلافاتشان را از طریق گفتگو و راه های قانونی، بطور مسالمت آمیز حل و فصل کنند.

24. پس از انتخابات، تعدادی از صاحبان وظایف روند های ویژه درخواست های اقدام فوری بسیاری در باره بازداشت ها و دستگیری های خودسرانه ای که در آنها گزارش شده بود که صدها فعال معترض و تظاهرکننده بازداشت شده اند، امضا کردند. گفته می شود که بازداشت ها توسط پلیس، نیروهای امنیتی، شبه نظامیان بسیج و افسران لباس شخصی اطلاعات در جریان تظاهرات یا در محل زندگی افراد انجام شده است. گزارش شده است که اکثریت وسیعی از کسانی که بازداشت شدند، از هر گونه ارتباط با خانواده، محروم بودند و به وکلا دسترسی نداشتند.

25. در روز 16 تیرماه، 6 نفر از صاحبان وظایف روندهای ویژه¹⁰ این شش متخصص حقوق بشر همان افرادی هستند که در زیر نویس شماره 8 به آن اشاره شده است، باضافه گزارشگر مسئول گروه کاری ناپدیدشدگان اجباری و غیر داوطلبانه. بیانیه مشترکی صادر کردند که در آن نگرانی عمیق خود را در باره بازداشت های توده وار، بیان کردند. گزارشگران خاطر نشان شدند که صدها نفر، از جمله مدافعان حقوق بشر، روزنامه نگاران، دانشجویان، روحانیون و طرفداران مخالفین، بدنبال برخورد با نیروهای امنیتی و اعضای شبه نظامی بسیج، زخمی و بازداشت شدند. آنها همچنین ابراز کردند که پس از 22 خرداد، حداقل 20 نفر کشته و صدها نفر بطور جدی در برخورد با نیروهای امنیتی، که ادعا شده بود برای سرکوب اعتراضات از مهمات منفجره و تفنگ های ساچمه ای استفاده کرده بودند، زخمی شدند. این 6 متخصص، نگرانی عمیق خود را در باره گزارش های رسیده از کشته ها، ادامه بازداشت ها، استفاده وسیع از خشونت توسط پلیس و بد رفتاری با بازداشت شدگان، تکرار کردند. این متخصصین با شدت از دولت جمهوری اسلامی ایران خواستند که الزامات خود را تحت قانون بین المللی برای حفاظت از حقوق بشر در کشور،

رعایت کند.

26. در روز دهم مرداد ماه، دادگاه 100 نفر از متهمین آغاز بکار کرد که در آن، متهمین به طیف وسیعی از انواع اتهامات اعم از شرکت در ناآرامی ها، رهبری اغتشاشات، اقدام علیه امنیت ملی، برهم زدن نظم عمومی، تخریب اموال عمومی و دولتی، و رابطه با گروه های ضد انقلابی متهم شده بودند.

27. رئیس قوه قضائیه بخشنامه ای صادر کرد که در آن تاکید شده بود که همه پرونده های باقی مانده تا مردادماه 1388 باید نهایی شوند، اما این بخشنامه رعایت نشد و دادرسی ها در ماه شهریور هم ادامه یافت. مقامات ایران همچنین خاطر نشان کردند که در نتیجه گزارش تیم ارشد بازرسی از اداره رهبری، یک بازداشتگاه بخاطر فقدان امکانات مناسب پزشکی و بهداشتی تعطیل شد.

28. در تاریخ 26 مرداد ماه، سه نفر از صاحبان و ظایف روندهای ویژه¹¹ نایب رئیس کارگروه بازداشت های خودسرانه، گزارشگر ویژه شکنجه و سایر مجازات یا رفتارهای خشن، غیر انسانی و تحقیرآمیز و گزارشگر ویژه وضعیت مدافعان حقوق بشر. در باره گزارش های رسیده از بازداشت شدگانی که برای اعتراف گرفتن از آنها، تحت شکنجه و بازجویی های سخت قرار دارند، نگرانی های جدی خود را بیان کردند. این سه متخصص گفتند که متهمین، دربرگیرنده وکلا، روزنامه نگاران و مدافعان حقوق بشر و همچنین مخالفینی هستند که به جریانات پس از انتخابات معترض بودند.

29. در حالیکه ماده 38 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شکنجه را منع کرده است، اقدامات کشور برای امضاء پیمان ضد شکنجه و سایر مجازات یا رفتارهای خشن، غیر انسانی و تحقیرآمیز سال 2002 میلادی، با مخالفت شورای نگهبان روبرو شد، و طبق گزارش ها، علت آن این بود که این پیمان در مغایرت با قوانین و اصول اسلام تشخیص داده شد¹² شکنجه، مجازات یا رفتارهای خشن، غیر انسانی و تحقیرآمیز همدر قانون عرف بین الملل و هم در ماده 7 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران آن را امضا کرده، منع شده است..

30. از خرداد ماه 1387 گزارشگر ویژه شکنجه و سایر مجازات ها یا رفتارهای خشن، غیر انسانی و تحقیرآمیز در باره گزارش های جدی دریافتی مربوط به شکنجه و سایر مجازات یا رفتارهای خشن، غیر انسانی و تحقیرآمیز، به مقامات ایران نامه های زیادی فرستاد. در مردادماه 1387، دو نامه مجزا توسط این گزارشگر ویژه به ایران ارسال شد، یکی در باره ادعای شکنجه مهدی حنفی؛ دانشجویی که گزارش شده بود در دوره بازداشت توسط مامورین مورد ضرب و شتم قرار گرفته و در اثر جراحات وارده به مغزش درگذشته بود، و دیگری مربوط به یعقوب مهرنهاد؛ روزنامه نگار و فعالی که در دفاع از حقوق فرهنگی و مدنی

فعالیت می کرد و متهم به محاربه و مفسد فی الارض بود و در 14 مردادماه 1387 اعدام شد. پیش از این نیز در تاریخ 26 بهمن ماه 1386 گزارشگر ویژه در باره شکنجه، و نماینده ویژه دبیر کل در باره وضعیت مدافعان حقوق بشر در مورد آقای مهرنهاد تقاضای فرجام خواهی فوری کرده بودند. مقامات ایرانی تاکید کردند که در مورد مرگ حنفی، در بررسی قضایی هیچ مورد مشکوکی پیدا نشد، اما پرونده او هنوز باز است و دارای موارد حقوقی است که باید به نتیجه برسد.

31. در همین دوره زمانی، گزارشگر ویژه در باره شکنجه، تعدادی نامه اعتراضی فوری امضا کرد. این گزارشگر ویژه روش های مختلف شکنجه، از جمله محرومیت از خواب، ضرب و شتم، وضعیت های تنش زا و عدم دسترسی به مراقبت های پزشکی را برای نمونه ذکر کرد. ادعا شده است که افرادی از جمله گروه های دانشجویی، روزنامه نگاران، مدافعان حقوق بشر، مبارزین اتحادیه ها، فعالان اجتماعی، افرادی که مرتکب جرم شدند مثل جوانان، و افرادی که از اعضای گروه های متنوع اقلیت ها هستند از جمله بهاییان، آذربایجانی ها و کردها مورد چنین رفتارهایی قرار گرفته اند.

32. گزارشگر ویژه شکنجه، در روز 28 تیرماه 1387، در مورد احکام اعدامی که برای سه نفر از اکراد، فرزاد کمانگر (سیامند)، علی حیدریان و فرهاد وکیلی، صادر شده بود، خواستار فرجام فوری شد. طبق اطلاعات رسیده، این سه نفر توسط مقامات وزرات اطلاعات در تهران در تیرماه و مرداد ماه 1385 بازداشت شدند. فرزاد کمانگر متعاقباً به اتهام عملیات تروریستی در شهرهای مختلف از جمله در کرمانشاه، سنندج و تهران در بازداشت بدون ارتباط با دنیای بیرون زندانی شد. طبق اظهارات، فرزاد در دوره بازداشت، تحت شکنجه هایی از قبیل ضرب و شتم، شلاق و شوک های الکتریکی قرار داشته است. در نتیجه این رفتارها، فرزاد دو بار به بهداری بیمارستان منتقل شد. مقامات ایرانی ادعاهای شکنجه را در بیشتر موارد تکذیب کردند و گفتند که دادرسی های علانیه اعمال، و احکام متناسب صادر شده است. قطع عضو و تنبیه بدنی که از طرف مقامات بر اساس مجازات اسلامی توجیه می شوند، همچنان علت جدی برای نگرانی است.

C. مجازات مرگ و اعدام های عمومی

33. در کشورهایی که مجازات مرگ همچنان پابرجاست، احکام مرگ فقط در مورد عمده ترین جرایم جدی طبق قانون صادر می شود¹³ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده 6. مراجع بین المللی حقوق بشر اعلام کرده اند که عمده ترین جرایم جدی، جرایمی هستند که بتوان نشان داد که برای قتل که منجر به مرگ شده، نیت وجود داشته و ظاهراً جرایم مربوط به مواد مخدر و قاچاق در این مقوله نمی

گنجد.

34. در جمهوری اسلامی ایران مجازات مرگ در جرایم خاص اعمال می شود، که دربرگیرنده زنا، زنا با محارم، تجاوز جنسی، زنا با غیر محصنه برای چهارمین بار توسط فرد متاهل، مصرف مواد الکلی برای سومین بار، لواط، روابط جنسی میان مردان بدون دخول برای چهارمین بار، روابط جنسی زنان برای چهارمین بار، زنا با غیر محصنه توسط مرد غیر مسلمان با زن مسلمان، و تهمت کذب زنا یا لواط برای چهارمین بار است. علاوه بر آن، مجازات مرگ برای جرایم محاربه و مفسد فی الارض بعنوان یکی از چهار مجازات ممکنه در نظر گرفته شده است. در جرایم مربوط به تعزیر، مجازات مرگ می تواند در مورد "توهین به پیامبر" (ماده 513 قانون مجازات) اعمال شود. همچنین مجازات مرگ در جرایمی از جمله قاچاق یا حمل مواد مخدر، قتل، جاسوسی و جرایمی علیه امنیت ملی اجرا شود.

35. گزارش های بسیار زیادی از منابع متعددی به روندهای ویژه در مورد افرادی رسیده که ادعا شده بخاطر جرایم مربوط به مواد مخدر و حمل مواد مخدر اعدام شده بودند. در حالیکه برای اداره کمیسیون عالی حقوق بشر امکان تأیید همه این اطلاعات رسیده وجود ندارد، اما خود اطلاعات روند نگران کننده ای را تصویر می کنند.

36. همانگونه که در گزارش قبلی دبیر کل عمده شده بود، سخنگوی قوه قضائیه در دی ماه 1386 اعلام کرد که آیت الله شاهرودی، رئیس قوه قضائیه، بخشنامه منع اعدام در ملاء عام را صادر کرد. اما در 21 تیرماه 1387، عفو بین الملل گزارش داد که اطلاعاتی در مورد اعلام در ملاء عام دریافت کرده که اولین اعدام پس از صدور بخشنامه بود. مقامات ایرانی تأیید کردند که دو مورد اعدام در ملاء عام در سال گذشته تحت شرایط خاص و نظر عمومی اجرا شد. مراجع بین المللی حقوق بشر اعلام کرده اند که اعدام ها در ملاء عام به مجازات خشن، غیر انسانی و ماهیت تحقیر آمیز اضافه می کنند و فقط می تواند اثر انسان زدایی از چهره قربانی و خشونت زایی در کسانی داشته باشد که شاهد اعدام هستند.

D. سنگسار بعنوان روشی از اعدام

37. در تاریخ 9 مرداد ماه 1387، گزارشگر ویژه شکنجه، گزارشگر ویژه اعدام های فراقانونی، شتابزده و خودسرانه و گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن، یک تقاضای فوری فرجام خواهی را امضا کردند که در آن از مقامات ایرانی خواسته شده بود که در باره اینکه گفته شده که 8 زن و یک مرد به جرم زنا به سنگسار محکوم شدند، اطلاعاتی داده بشود. همچنین در تاریخ 2 بهمن

ماه 1387 توسط گزارشگر ویژه اعدام های فراقانونی، شتابزده یا خودسرانه، گزارشگر ویژه استقلال قضات و وکلا، گزارشگر ویژه شکنجه و گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان در مورد دو مردی که گزارش شده بود به اتهام زنا در مشهد سنگسار شدند، نامه فوری فرجام خواهی به ایران فرستاده شد. این اعدام ها توسط سخنگوی قوه قضائیه در تاریخ 24 دی ماه 1387 تأیید شد. هر چند رئیس قوه قضائیه بخشنامه منع سنگسار صادر کرده بود، اما این موارد اخیر نشان می دهد که مقامات در جلوگیری از اجرای سنگسار موفق نبودند. اما مقامات یادآور شدند که بسیاری از موارد مجازات قصاص، به احکام سبکتر تبدیل شدند. در اصطلاح هنجارهای بین المللی حقوق بشر، سنگسار رفتار غیر انسانی و تحقیر آمیز محسوب می شود.¹⁴ نگاه کنید به CRC/C/15/add.254,para.45;CAT/C/QAT/CO/1,para. 12; A/HRC/10/44. Para. 39; and E/CN. 4/2006/5/Add.2, para.68

E. اعدام نوجوانان

38. در گزارش قبلی دبیر کل در ارتباط با قطعنامه 168/62 مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعدام نوجوانان بعنوان حوزه نگران کننده، مطرح شد. علیرغم تلاش قوه قضائیه در کنترل اعدام نوجوانان، جمهوری اسلامی ایران همچنان به اعدام نوجوانان ادامه داد. اعمال مجازات مرگ کسانی که مرتکب جرایمی در سن کمتر از 18 سالگی شدند، هم نقض میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی¹⁵ ماده 6، پاراگراف 5. است و هم پیمان حقوق کودک¹⁶ که ایران از شرکای آنهاست.

39. به گزارش عفو بین الملل، 8 نوجوان بزهکار در سال 2008 میلادی و تا زمان ارائه این گزارش، 3 نفر در سال 2009 میلادی اعدام شدند. عفو بین الملل همچنین گزارش داده است که جمهوری اسلامی ایران 41 نوجوان را بین سال های 1990 تا 2009 اعدام کرده است که بیش از نیمی از همه اعدام نوجوانان در سطح جهان در همین دوره زمانی است، که همین امر باعث شده تا جمهوری اسلامی ایران کشوری با بالاترین آمار اعدام نوجوانان در جهان شود¹⁷ عفو بین الملل، "اعدام نوجوانان از سال 1990" ..

40. در تاریخ 20 تیرماه 1387، کمیسیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل بیانیه عمومی صادر کرد و در آن با یادآوری لغو کامل اجرای مجازات مرگ برای نوجوانان تحت قانون بین المللی، از مقامات ایرانی خواست که اعدام 4 نوجوان بزهکار را

14

15

¹⁶ ماده 37 (الف).

17

متوقف کنند. کمیسیونر عالی با توصیه به حل اختلاف بین خانواده قربانیان و کسانی که مرتکب جرم شده اند از گامهای برداشته شده در بررسی موشکافانه تر قضایی قدردانی کرد.

41. در دوره زمانی که این گزارش را دربر می گیرد، گزارشگر ویژه اعدام های فراقانونی، شتابزده یا خودسرانه در پاسخ به اطلاعات رسیده در باره افرادی که بخاطر جرایمی که در سن نوجوانی مرتکب شده بودند، حکم مرگ دریافت کرده بودند، چندین نامه اقدام فوری ارسال کرد.

42. مورد دل آرا دارابی از طریق منابع رسانه ای متعدد و سازمان های بین المللی غیر دولتی مورد توجه وسیع بین المللی قرار گرفت¹⁸ دیده بان حقوق بشر و "ایران: اعدام اسرارآمیز جوانان بزهکار"، 11 اردیبهشت 1388، و عفو بین الملل، "دل آرا دارابی در ایران اعدام شد"، 11 اردیبهشت ماه 1388.. دل آرا دارابی در روز 11 اردیبهشت ماه 1388، علیرغم توقف دو ماهه اعدام او که توسط رئیس قوه قضائیه صادر شده بود، در سن 22 سالگی بخاطر جرمی که ادعا شده در سن 17 سالگی مرتکب شده بود اعدام شد. کمیسیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در نامه ای به مقامات ایران ناامیدی عمیق خود را از این اعدام، و نگرانی جدی اش را از اینکه بخشنامه رئیس قوه قضائیه رعایت نمی شود، ابراز کرد.

F. حقوق زنان

43. جمهوری اسلامی ایران، پیمان رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان را امضا نکرده است.

44. از خرداد 1387 تا کنون، گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان به همراه گزارشگر ویژه مدافعان حقوق بشر و گزارشگر ویژه حفاظت و ارتقاء حق آزادی عقیده و بیان، در رابطه با بازداشت 10 نفر (9 زن و یک مرد) توسط نیروهای امنیتی بخاطر فعالیت در کمپین "یک میلیون امضا" که خواستار برابری قانونی و اصلاح قوانین تبعیض آمیز علیه زنان هستند، سه نامه اعتراضی به مقامات ایران فرستادند. گزارش شده بود که این 9 زن به مدت 8 ساعت بازداشت بودند و بعد آزاد شدند در حالی که مرد بازداشت شده به اتهام به خطر انداختن امنیت ملی از طریق تبلیغ علیه نظام به یک سال زندان محکوم شد. در تاریخ 18 شهریورماه 1387، همین گزارشگران ویژه در باره حکم 4 سال زندان صادره توسط دادگاه انقلاب مهاباد در مرداد ماه 1387 برای زینب بایزیدی؛ مدافع حقوق بشر، به اتهام عضویت در انجمن های حقوق بشری تأیید نشده، و شرکت در کمپین برای برابری، نامه اعتراضی دیگری ارسال کردند. این گزارشگران ویژه از اینکه

حکم دادن و زندانی کردن خانم بایزیدی می تواند فقط مربوط به فعالیت های مسالمت آمیز وی در دفاع از حقوق بشر باشد، ابراز نگرانی کردند.

45. در تاریخ 7 آذرماه 1387، گزارشگران ویژه مدافعان حقوق بشر و خشونت علیه زنان، بیانیه مشترکی صادر کردند و در آن با اشاره به دستگیری تظاهر کنندگان مسالمت آمیز، بازداشت و محاکمه آنها و صدور احکام زندان برای بسیاری از آنها، از سرکوب ادامه دار مدافعان حقوق زن در جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی عمیق کردند.

G. حقوق اقلیت ها

46. قانون اساسی در ایران صراحتاً اسلام را مذهب رسمی اعلام کرده، اما دو ماده مهم در باره اقلیت های مذهبی نیز دارد. در ماده 13، ایرانیان زرتشتی، یهودی و مسیحی بعنوان تنها اقلیت های مذهبی به رسمیت شناخته شده اند، که در چارچوب محدودیت های قانون، می توانند مناسک و مراسم مذهبی اجرا کنند، و در امور شخصی و آموزش مذهبی، در چارچوب کتاب آسمانی می توانند عمل کنند. در ماده 14 که مربوط به حفاظت از غیر مسلمانان است، آنها را از تبنای و اقدام علیه اسلام و جمهوری اسلامی ایران بازداشته است. جامعه بهائیان، بعنوان اقلیت مذهبی به رسمیت شناخته نشده اند، اما مقامات اظهار می کنند که بهائیان از حقوق همه مردم ایران برخوردارند.

47. اداره کمیسیونر عالی حقوق بشر گزارش هایی در باره تجاوز به حقوق بشر اقلیت ها در جمهوری اسلامی ایران دریافت می کند. در حالیکه تأیید همه این اطلاعات دریافت شده غیر ممکن است، اما یک مدل نگران کننده در ارتباط با حفاظت اقلیت ها، از جمله جامعه بهائیان، اقلیت های عرب در خوزستان، دراویش مسلمان نعمت الهی، جوامع کرد، سنی، بلوچ، و ترک آذری ایجاد شده است.

48. در باره اعضای جامعه بهائیان که مورد بازداشت های خودسرانه، مصادره اموال و استخدام نشدن، محرومیت از مزایای دولتی و دسترسی به آموزش عالی هستند، گزارش هایی دریافت می شود. توسط گزارشگران و متخصص مستقل در حوزه اقلیت ها، در باره رفتار با بهائیان نامه های زیادی به دولت فرستاده شده است. کمیسیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد به مناسبت های مختلف نامه نوشته است و نگرانی خود را ابراز داشته و خواستار روشن شدن وضعیت هفت بهایی شده است که به مدت بیش از یکسال است که در بازداشت هستند. طبق گزارش های رسیده، شش نفر از اعضای جامعه بهائیان؛ فریبا کمال آبادی، جمال الدین خانجانی، عفیف نعیمی، سعید رضایی، بهروز توکلیان، و وحید تیزفهم، در تاریخ 25 اردیبهشت ماه بازداشت شدند و از آن زمان تاکنون در زندان اوین در

بازداشت هستند. نفر هفتم از اعضای جامعه بهائیان در روز 15 اسفندماه 1386 توسط مقامات ایرانی بازداشت شد، و گزارش شده است که از آن تاریخ تاکنون در بازداشت بدون ارتباط با دنیای بیرون در مشهد نگهداری می شود. مقامات ایرانی در تاریخ 2 اسفند ماه 1387 به نگرانی های ابراز شده کمیسیونر عالی حقوق بشر پاسخ دادند و خاطر نشان کردند که بازداشت هفت بهائی بخاطر فعالیت های غیر قانونی آنها بوده است. متعاقباً، اداره کمیسیونر عالی حقوق بشر در باره گزارش هایی که نشان می داد اتهامات جدیدی، از جمله مفسد فی الارض که مجازات آن حکم مرگ است، علیه این بهائیان وارد شده است. دولت ایران گزارش داد که اتهامات این بهائیان عبارتند از تهدید و ارباب شهروندان ایرانی برای پیوستن به "تشکیلات این فرقه"، دخالت در زندگی خصوصی و اعتقادی مردم ایران، و تشکیل سازمان مخفی و زیرزمینی. این هفت بهایی هنوز باید به دادگاه برده بشوند و از دسترسی به وکیل محرومند. کمیسیونر عالی و دبیر کل نگران این هستند که این بازداشت افراد می تواند نقض الزامات ایران در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بویژه در مورد آزادی مذهب و اعتقاد، و آزادی بیان و تشکل باشد.

H. آزادی تجمع و تشکل مسالمت آمیز و آزادی عقیده و بیان

49. همانگونه که در گزارش قبلی دبیر کل مطرح شد، محدودیت های جدی در حوزه حق آزادی عقیده و بیان در جمهوری اسلامی به قوت خود باقی مانده است. گزارشگر ویژه حق آزادی عقیده و بیان، چند نامه اعتراضی فوری صادر کرد که در آنها در باره خبرهای رسیده مبنی بر اینکه گروههایی از جمله روزنامه نگاران، دانشجویان، شاعران و مدافعان حقوق بشر بازداشت و زندانی شده اند، نگرانی های جدی خود را ابراز کرد. این گزارشگر ویژه در باره ادامه بازداشت افراد که توسط مقامات متهم شده اند نگرانی ای را در مورد اتهامات آنها که ممکن است مربوط به فعالیت آنها بعنوان مدافعان حقوق بشر و حق آزادی بیان آنها باشد، مطرح کرد. همچنین در باره گزارش های شکنجه و بدرفتاری و روش هایی که نیروهای امنیت در ایران بکار می برند از جمله تفتیش وسایل و مصادره کامپیوترها و اسناد متعدد افراد بازداشت شده، نگرانی هایی ابراز داشت.

50. گزارشگر ویژه استقلال قضات و وکلا و گزارشگر ویژه مدافعان حقوق بشر در تاریخ 24 مرداد ماه 1387، برای توجه دادن به اطلاعات رسیده مربوط به برنده جایزه صلح نوبل؛ خانم عبادی، اقدام فوری اعلام کردند. طبق اطلاعات رسیده، در تاریخ 18 مرداد ماه 1388، مطلبی در وب سایت آژانس خبری جمهوری اسلامی به چاپ رسید که در آن ادعا شده بود که حقوق بشر بعنوان ابزار اعمال فشار هنجارهای غربی بر سایر فرهنگ ها و شهروندان مورد استفاده قرار می گیرد، و از خانم عبادی بخاطر دفاع از همجنس گرایان، بهائیان و مرکز اطلاعات ایالات متحد آمریکا (سیا)

انتقاد کرد. این گزارشگران از اینکه این کمپین افترا ممکن است که محرکی برای آزار و اذیت بیشتر خانم عبادی و خانواده ایشان باشد، ابراز نگرانی کرد. مقامات گفتند که برای دولت مشکل است که از خانم عبادی بخاطر موضع گیری ها و بیانیه های ایشان که با گرایش های مذهبی مردم مغایرت دارد، حفاظت کند.

51. معاون کمیسیون عالی حقوق بشر در سازمان ملل متحد در سوم دی ماه 1387 نامه ای به دولت ایران نوشت و در باره گزارش های دریافتی در باره کانون مدافعان حقوق بشر در تهران که تحت مدیریت خانم عبادی است، و در تاریخ اول دی ماه 1387 مورد حمله مجریان قانون قرار گرفته بود، نگرانی های عمیق خود را ابراز داشت. معاون کمیسیون عالی حقوق بشر بار دیگر در تاریخ 13 دی ماه برای مقامات ایرانی نامه نوشت و در باره گزارش های رسیده از اینکه جمعیت معترض به منزل خانم عبادی حمله کردند، نگرانی های بیشتری را ابراز کرد، و به دولت ایران توصیه کرد تا تضمین کند که مدافعان حقوق بشر در ایران قادر خواهند بود که آزادانه بدون ارعاب یا آزار و اذیت، فعالیت های حقوق بشر خود را به انجام برسانند. معاون کمیسیون عالی همچنین از دولت خواست که فوراً دستور بازگشایی کانون مدافعان حقوق بشر را صادر کند، موقعیت کامل حقوقی آن را تضمین کند و همه اسناد و اموال خارج شده از دفتر وکالت خانم عبادی را به ایشان برگرداند. در روز 14 دی ماه 1387، دبیر کل از مقامات ایران خواست که برای جلوگیری از هرگونه آزار و اذیت بیشتر و تضمین سلامتی و امنیت خانم عبادی، فوراً اقدام کنند.

52. در روز 16 دی ماه 1387، مقامات ایران به اداره کمیسیون عالی حقوق بشر پاسخ دادند که کانون مدافعان حقوق بشر برای تاسیس کانون مجوز اولیه کسب کرده بود، اما نتوانست اسناد مورد نیاز را طبق قانون برای کسب پروانه قانونی ارائه کند. مقامات گفتند که در این مورد در مرداد ماه 1385 به کانون مدافعان حقوق بشر یادداشتی فرستاده شد و بخاطر عدم رعایت این دستور، دادستانی برای بستن و پلمپ کانون، دستور قانونی صادر کرد. مقامات اشاره کردند که خانم عبادی و همکاران ایشان قادر بودند که فعالیت های مشروع خود را به انجام برسانند. نشست های پی در پی، بیانیه ها و سفرهای خارج از کشور خانم عبادی و همکاران ایشان از جمله سفر به ژنو، اثبات صریح حقوق بویژه تحت میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

1. فقدان حقوق آئین دادرسی و عدم رعایت حقوق بازداشت شدگان

53. مسئول گروه کاری بازداشت های خودسرانه در باره انواع پرونده هایی که در آنها حقوق آئین دادرسی بطور گسترده تضییع شده و حقوق بازداشت شدگان رعایت نشده است، چند نامه به مقامات ایران فرستاد. این نامه ها در باره افرادی است که بدون اتهام در بازداشت باقی ماندند و در وضعیت "بدون ارتباط با دنیای بیرون" نگهداشته شدند. بکاربردن روش زندانی کردن "بدون ارتباط با دنیای بیرون" بعنوان

موضوع مورد نگرانی دبیر کل در قطعنامه 168/62 و در گزارش این گروه کاری بدنبال سفر به جمهوری اسلامی ایران در سال 1382، برجسته شد، و بعنوان یک مانع اصلی در تعیین مبنای حقوق دستگیری و بازداشت افراد به قوت خود باقی ماند. همچنین در مورد دو برادر آرش و کامیار علایی که پزشکان پیشگام در اچ آی وی ایدز هستند و بازداشت آنها به برنامه های معتادان در جمهوری اسلامی ایران ضربه زد، دو اقدام فوری صادر شد. گزارش شده است که نه این دو برادر و نه وکلای مدافع آنها از اتهامات وارده اطلاع ندارند و به آنها اجازه مطالعه پرونده و شواهد داده نشده است. مقامات در این زمینه گفتند که این دو برادر نه به خاطر فعالیت های بشر دوستانه شان، بلکه به اقدام علیه امنیت ملی متهم شده اند.

54. مورد رکسانا صابری، ایرانی تبعه امریکا، توجه بین المللی بسیار زیادی را به خود جلب کرد. طبق گزارش های رسیده، خانم صابری در دی ماه 1387 بازداشت و به نقض قوانین مطبوعاتی موجود و جاسوسی متهم شد. خانم صابری تا 10 بهمن ماه 1387 در بازداشت "بدون ارتباط با دنیای بیرون" نگهداری شد و در این مدت فقط یک تلفن دو دقیقه ای به پدرش در ایالات متحد امریکا زد و اطلاع داد که در بازداشت است. در تاریخ 15 اسفند ماه 1387 سخنگوی قوه قضائیه تأیید کرد که خانم صابری در زندان اوین است. مقامات ایرانی گفتند که کارت مطبوعاتی خانم صابری در سال 1384 به دلیل نقض قوانین موجود مطبوعاتی لغو شده بود. صابری به 8 سال زندان محکوم شد، اما سرانجام این حکم توسط دادگاه تجدید نظر به دو سال حبس تعلیقی تغییر کرد و نهایتاً از زندان آزاد شد و جمهوری اسلامی ایران را ترک کرد.

55. گزارشگر ویژه قضات و وکلای مستقل در مورد نگرانی های جدی خود در باره ناتوانی گسترده در رعایت آئین دادرسی و دسترسی به وکلا، نامه های متعددی به دولت ایران فرستادند. در تاریخ 12 دی ماه 1387، تعدادی از گزارشگران ویژه¹⁹ گزارشگر ویژه اعدام های فراقانونی شتابزده یا خودسرانه، گزارشگر ویژه استقلال قضات و وکلا، گزارشگر ویژه شکنجه و گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان. در باره گیلان محمدی و غلامعلی اسکندری که هر دو به مرگ محکوم شدند، تقاضای فرجام خواهی فوری به مقامات ایرانی فرستادند. طبق اطلاعات رسیده، مقامات زندان مانع دسترسی وکلا به این دو زندانی بودند. مقامات ایرانی این ادعا را رد کردند. گزارشگران ویژه به دولت ایران یادآوری کردند که در موارد مجازات مرگ، دولت های عضو ملزم به رعایت دقیق همه تضمین ها در دادرسی عادلانه ای هستند که در ماده 14 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بدون هیچ استثنایی گنجانده شده است. این گزارشگران همچنین یادآور شدند که کمیته حقوق بشر چنین اظهار نظر کردند که "در موارد مجازات مرگ، این یک اصل بدیهی است که متهم باید در همه مراحل دادرسی توسط وکیل بطور موثری کمک شود." (CCPR/C/GC/32, para. 38). به گفته مقامات، احکام این دو نفر در تجدید نظر به زندان تبدیل شد.

۷. همکاری با مراجع بین المللی حقوق بشرو اداره کمیسیونر عالی حقوق بشر

A. همکاری با نظام پیمان های حقوق بشر سازمان ملل متحد

56. جمهوری اسلامی ایران شریک 4 پیمان حقوق بشر سازمان ملل متحد است: پیمان حقوق کودک (امضا شده در تاریخ 13 ژولای 1994)، پیمان بین المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی (امضا شده در تاریخ 29 آگوست 1968)، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (هر دو در تاریخ 24 ژوئن 1975 امضا شده اند). ایران همچنین پیمان های دیگری را که مربوط به حقوق بشر می شوند، امضا کرده یا به عضویت آنها در آمده است، از جمله پیمان مربوط به وضعیت پناهندگان (1951)، و پروتکل مربوط به آن (عضویت هر دو در تاریخ 28 ژولای 1976)، پیمان پیشگیری از نسل کشی و مجازات جرایم نسل کشی (1948 – امضا دشته در 14 آگوست 1956)، پیمان بین المللی سرکوب و مجازات جرایم آپارتاید (1973 – عضویت در تاریخ 17 آوریل 1985) و پیمان سازمان جهانی کار در باره منع و اقدام فوری برای لغو بدترین اشکال کار کودک (پیمان شماره 182 – امضا شده در تاریخ 8 ماه می سال 2002)²⁰ جمهوری اسلامی ایران 13 پیمان بین المللی کار را که 5 پیمان ان مربوط به پیمان های بنیادین هستند امضا کرده است..

57. جمهوری اسلامی ایران گزارش های دوره ای هجدهم و نوزدهم خود را در باره اجرای پیمان بین المللی همه اشکال تبعیض نژادی را در تاریخ 5 مهرماه 1387 ارائه کرد که موعد ارائه آنها 14 دی ماه 1384 بود. همانگونه که در بالا ذکر شد، دولت هیچ گزارشی به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کمیته حقوق بشر به مدت بیش از یک دهه ارائه نکرده است. در ضمن جمع بندی های این کمیته ها که در سال 1993 مصوب شده اند، به میزان بسیار زیادی اجرا نشده باقی مانده اند. علاوه بر آن، جمهوری اسلامی ایران حق تحفظ های عمومی ای را برای امضای این پیمان ها اعمال کرده که طبق گزارش های هیئت پیمان ها یکی از موانع اصلی در بهره مندی از حقوق حفاظت شده در این پیمان هاست.

B. همکاری با روندهای ویژه

58. جمهوری اسلامی ایران در خرداد ماه 1381، برای همه صاحبان وظایف روندهای ویژه موضوعی، دعوتنامه دائمی صادر کرد که همزمان بود با قطع وظیفه نماینده ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران که در سال 1363 توسط کمیسیون حقوق

بشر بوجود آمده بود. در سال های 2003 و 2005 میلادی، گزارشگر ویژه حق آزادی بیان و عقیده، گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در افغانستان، گروه کاری بازداشت های خودسرانه، گزارشگر ویژه حقوق بشر مهاجرین، گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان و گزارشگر ویژه مسکن مناسب بعنوان جزئی از حق بهره مندی از معیارهای زندگی، و حق عدم تبعیض در حوزه وظایف خود، به ایران سفر کردند و یافته های خود را گزارش کردند.²¹ E/CN.4/2004/62/Add. 2; A/55/346; E/CN.4/3/Add.2 and Corr.1; E/CN.4/2005/85/ Add.2; E/CN.4/2006/51/Add.3; and E/CN.4/2006/41/Add.2. از سال 2005 به بعد هیچکدام از صاحبان وظایف روند های ویژه نتوانستند به ایران بروند.

59. دولت ایران در اصل برای سفر گروه کاری ناپدیدشدگان اجباری و غیر داوطلبانه²² ملاقات برای تیرماه سال 1383 موافقت شد اما به تاخیر افتاد. در سال های 2007 و 2008 میلادی نیز نامه های پیگیری ارسال شد. گزارشگر ویژه اعدام های فراقانونی، شتابزده یا خودسرانه²³، و گزارشگر ویژه آزادی مذهب و عقیده²⁴ به ایران موافقت کرد، اما زمان مشخصی برای این ملاقات در نظر گرفته نشده است.

60. تقاضای سفر توسط این گزارشگران در سال های اخیر به ایران ارسال شده است: گزارشگر ویژه شکنجه و سایر مجازات ها یا رفتارهای خشن، غیر انسانی یا تحقیر آمیز در سال 1384 و 1387، گزارشگر ویژه استقلال قضات و وکلا در سال 1385، نماینده مستقل در امور اقلیت ها در سال 1387. همچنین گزارشگر ویژه اعدام های فراقانونی، شتابزده یا خودسرانه در سال 1387 تقاضای خود را مجدداً یادآوری کرد.

61. وضعیت حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران در هفتمین نشست گروه کاری بررسی عمومی دوره ای شورای حقوق بشر در بهمن ماه 1388 مورد بررسی قرار می گیرد.

B. همکاری با اداره کمیسیونر عالی حقوق بشر

62. خانم لوئیز آربر، کمیسیونر عالی سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد از جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در کنفرانس جنبش غیر متعهد ها در شهریورماه 1386 بازدید کرد. کمیسیونر عالی فعلی حقوق بشر در شهریور ماه 1387 با وزیر امور خارجه ایران؛ منوچهر متکی در ژنو دیدار کرد. از سال 1387 اداره کمیسیونر عالی حقوق بشر با نمایندگان قوه قضائیه در ایران برای امکان همکاری از جمله برگزاری یک سمینار قضایی در مورد دادرسی عادلانه در جمهوری اسلامی مشغول گفتگو است،

21

22

²³ ملاقات در اصل برای شهریور ماه سال 1385 مورد موافقت قرار گرفت. چندین بار پیگیری شد که آخرین آنها در آذرماه 1387 بود.

²⁴ ملاقات در اصل برای آبان ماه سال 1381 تنظیم شده بود. چندین بار نامه های پیگیری ارسال که آخرین آن در اردیبهشت 1387 بود.

اما هنوز زمانی برای آن در نظر گرفته نشده است.

63. در طول یکسال گذشته، کمیسیونر عالی حقوق بشر در موارد خاص حقوق بشر از طریق ملاقات با نمایندگان، صدور نامه و بیانیه عمومی مداخله کرده است. این موارد خاص دربرگیرنده، حقوق زنان، اعدام نوجوانان، آزادی مذهب و حق اقلیت ها بوده است.

VI. جمع بندی و توصیه ها

64. گزارش حاضر، حوزه های متنوعی از نگرانی های ادامه دار را در مورد حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران برجسته می کند. این که برخی از موضوعات از جمله حقوق زنان در جریان انتخابات ریاست جمهوری سالجاری موضوع مورد مناظره های باز و جدی بودند، دلگرم کننده اند. سطح بالای مشارکت در این انتخابات و اعتراضات مسالمت آمیزی که در پی آن رخ داد، همه نشانه های مثبت از پویایی جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران است. همانگونه که من در بیانیه های عمومی گفتم، من از دولت و مخالفین می خواهم که اختلافات را از طریق گفتگو و راه های قانونی حل و فصل کنند. من از گزارش هایی که در باره استفاده وسیع از خشونت و زور، دستگیری ها و بازداشت های خودسرانه، و احتمال شکنجه و بدرفتاری با مخالفین دریافت می کنم، عمیقاً نگران شده ام.

65. در مورد سایر نگرانی هایی که در این گزارش آمده، من خاطرنشان کردم که مقامات گامهای مثبتی، برای نمونه برای جلوگیری از سنگسار یا محدود کردن اجرای حکم مرگ نوجوانان، برداشته اند. اما من نگرانم که این ها اجرا نشوند. من به دولت جمهوری اسلامی ایران توصیه می کنم که به حل نگرانی هایی که در این گزارش به آنها پرداخته شده، مباردت کند و در قوانین ملی، بویژه قانون جدید مجازات و قوانین مربوط به نوجوانان، بازنگری کند تا مطمئن شود که آنها با معیارهای بین المللی حقوق بشر منطبق هستند، و از اقدام تبعیض آمیز علیه زنان، اقوام و اقلیت های مذهبی و سایر گروه های اقلیت جلوگیری کند.

66. من دستاوردهای مثبت جمهوری اسلامی ایران را در حوزه بسیاری از شاخص های اقتصادی و اجتماعی یادآوری می کنم. من به دولت توصیه می کنم که به حل نابرابری های منطقه ای در بهره مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بپردازد، و همچنین تبعیض علیه زنان و اقلیت ها را بویژه در مواجهه با دشواریهای اقتصاد جهانی از بین ببرد.

67. در حالیکه دولت جمهوری اسلامی ایران را به همکاری با سازمان ملل متحد از جمله اداره کمیسیونر عالی حقوق بشر برای اصلاح بیشتر حقوق بشر و عدالت توصیه می کنم، از دولت می خواهم تا پیمان های اصلی بین المللی حقوق بشر، بویژه

پیمان رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان و پیمان ضد شکنجه و سایر مجازات یا رفتارهای خشن، غیر انسانی و تحقیر آمیز را امضا کند و حق تحفظ هایی را که در هنگام امضای پیمان های مختلف حقوق بشر برای خود قائل شده، طبق توصیه هئیت های پیمان ها پس بگیرد. جمهوری اسلامی ایران برای رعایت الزامات بین المللی خود، لازم است که گزارش دهی دوره ای مربوط به پیمان های حقوق بشر را که برای مدت های طولانی ارائه نشده است، نهایی کند. بویژه ارائه گزارش به کمیته حقوق بشر و کمیته حقوق مدنی، اجتماعی و فرهنگی، امکان بررسی منظم پیشرفت را در اجرای الزامات مربوط به هر پیمان فراهم می کند.

68. هر چند از دعوتنامه دائمی دولت برای صاحبان وظایف روندهای ویژه شورای حقوق بشر استقبال می شود، اما من متأسفم که از سال 2005 تاکنون هیچ دیداری از ایران صورت نگرفته است و به دولت توصیه می کنم که امکان بازدید متقاضیان از کشور را در اولویت قرار داده و تسهیل کند تا امکان ارزیابی های جامعتری فراهم شود. من به دولت جمهوری اسلامی ایران توصیه می کنم که بدون تاخیر توصیه های ارائه شده توسط روند های ویژه شورای حقوق بشر، کمیته متخصصین در اجرای پیمان ها و توصیه های سازمان جهانی کار و سایر هئیت های پیمان های حقوق بشر، به اجرا بگذارد.